عدم دخالت نظریه پیوستگی ارسطو در مثال عدد پی

شاگرد: یعنی ویژگی‌های وجودشناختی عالم خیال و عالم مثال را دارد؛ یعنی معین است ولی نمی‌توانیم در بردار آن را نشان بدهیم. یعنی محل ذخیره فیزیکی ندارد، ولی معین است. بر خلاف مجردات که تعین ندارند و نامتعین هستند.

استاد: نه، اگر ما مثل مبنای ارسطویی، عالم فیزیکی را پیوسته بگیریم...؛ ارسطو می‌گفت جسم واقعاً پیوسته است. مبنای او این بود. اگر پیوسته بگیریم در عالم فیزیک هم روی این مبنا، نقطه دارد. یعنی عدد پی در متن فیزیک، نقطه معینی دارد اما ما نمی‌توانیم آن را نشان بدهیم. عجز ما است. ولی حالا مبنای ارسطو درست است یا نه، بحثش بماند. همچنین همه اینها مبنی بر بُنداشت و اصل موضوع پیوستگی است، و الا اگر پیوستگی را به‌عنوان اصل موضوعی نیاوری باز این حرف‌ها [دچار چالش می‌شود].

آن چه که من عرض می‌کنم اصلاً بند به اینها نیست. ما قبلاً اینها را مباحثه کرده‌ایم و مبادی همه اینها الآن در ذهن من هست، اما چیزی که من عرض می‌کنم، آنها نمی‌توانند به آن گیر بدهند. می‌خواهم یک چیزی بگویم که اصلاً در فضای غیر ریاضی نروی و چشم شما فقط در فضای ریاضی، شیء ریاضی را ببینند. بعد که سؤال می‌کنند حالا به چه صورت است؟ وجودش کجا است؟ اینها در تفلسف می‌آید. ولی مهم این است که قبلش ذهن شما در همان فضا اینها را بگیرد. همانی که آن آقا گفت وقتی ریاضی‌دانها فکر می‌کنند، افلاطونگرا هستند. یعنی دارد می‌رود تا ببیند واقع چیست. کسی که می‌خواهد ثابت کند که عدد پی گنگ است، می‌خواهد بگوید ما گنگ بودن آن را فرض می‌گیریم؟! نه. دو هزار سال که مهلت نمی‌خواست. دو هزار سال طول کشید که بشر بفهمد گنگ است. یعنی تا بی‌نهایت دیگر دلت جمع باشد، اگر حساب کنی به یک جایی نمی‌رسی که تمام شود. تا بی‌نهایت ارقام هست، اما بی‌نهایت ارقام معین. همه معین هستند. نمی‌توانی تکانش بدهی. نقطه معین است که مرتب داری به پی نزدیک می‌شوی. پی هم معین است. اینها چیزهای کمی نیست. شما فقط همین را ببینید. اگر این را دیدی تردید نمی‌کنی که ما یک عالمی داریم که به ما بند نیست و فیزیکی هم نیست. این مقصود اصلی من است.

بازبینی #3
ایجاد شده 12 سپتامبر 2024 12:05:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 10:35:27 توسط ... .